



مروری در مکاتب مینیاتور ایران (۲)

مکتب شیراز

هرکه نشنیده است وقتی بوی عشق...

هنرهای تجسمی

«در شرایط نابسامان سلطه بی امان هنری و فرهنگی

مغولان از پس استیلای این قوم بر ایران، و نشر و بسط

مبانی هنر و فرهنگ قوم فاتح در جای جای این سرزمین،

با مدد از تدبیر سلاطین حاکم بر خطه فارس و موصون

ماندن این دیار از حمله و هجوم ویرانگر مغولان، دیار

قطعه مینیاتور مربوط به منتخبات فارسی مکتب شیراز



فارس که در طول تاریخ ایران زمین، همه گاه به عنوان مهد هنر و فرهنگ و میعادگاه هنرمندان و اندیشمندان شناخته شده است، چونان پایگاهی ارزشمند و دژ مستحکم، حافظ ارزش های هنر اصیل و پر قدمت ایران می گردد.

سهم اقلیم پارس و هنرمندان و اندیشمندان زاده این خاک آنچنان در ایام بعد از سلطه مغولان (در حفظ و نگاهداشت هنر ایران و تفکر هنری و فرهنگی ایرانیان) والا و بالاست، که بی هیچ تردیدی، می توان ادعا کرد که اگر در ایام بعد تسلیم و تقلید ناگزیر هنر ایرانی، هنرمندان صاحب ذوق و همت ساکن در خطه فارس، به

ویژه شیراز، بانیان مکتب هنری شیراز تلاش و همتی سزاوار نمی کردند، چه بسا که سرنوشت هنر ایران را به تعبیر و تفسیری دیگر می بایست نشست.

در این دوران، که چندان به درازا نمی انجامد، هنرمندان و اندیشمندان در فارس، مصون از عواقب ویرانگری ها و کشتارها، با مدد جستن از پیشینه پربار و ارزش تبار هنرمند خود، آثاری جاودانه در زمینه های مختلف هنری به ویژه نقاشی و کتاب آرایی و خوشنویسی از خود بیادگار گذاشتند.

با این همه، زمانی چند نمی گذرد که حمله و هجوم تیموریان به شهرهای ایران، دگر بار حوادث خونبار و زیانهای غیر قابل جبران بیار می آورد. و خطه فارس آرمیده در سکون و آرامش نیز، بی بهره از عواقب این حمله و هجوم نمی ماند. و در نتیجه، نظام شکل گرفته و پرصلابت و معنای هنری و فرهنگی فارس، چونان سایر شهرهای ایران، خدشه دار و آسیب پذیر می گردد.

اعزام (از سراجبار و زور) جمعی از صنعتگران و هنرمندان صاحب ذوق شیرازی به سمرقند، پایتخت اولیه تیموریان، اگر چه در ظاهر به منطقی جز به اسارت درآمدن اندیشه ها و استعدادهای ناب هنرمندان این شهر تعبیر نمی گردد، اما در باطن و اصل، این مهاجرت ناگزیر، سبب ساز تحولی عمیق در نشر و اعتلای فرهنگ ایرانی به گوشه و کنار جهان آن روز می گردد؛ همان رنسانس یا دگرگونی پرثمری که سهم شیراز و هنرمندان شیرازی را در راستای جان و مایه بخشیدن به هنر روبه افول ایرانی جاودانه ساخته و تحت عنوان مکتب هنری شیراز، جایگاهی مستقل از تکامل و دوام هنر ایرانی را از آن این شهر و هنرمندان شیرازی می سازد.

در تحلیل و بررسی نقش مکتب شیراز، که جلوه گاه اصلی آن را می بایست در خلاقیت هنرمندان با ذوق شیراز جستجو کرد و باز شناخت، شکی نیست که پیشینه پر قدمت هنری و فرهنگی خطه فارس، اعتبار شیراز به عنوان مرکز و خاستگاه هنر باستانی و پردوام

یک مجلس از خمسه نظامی. مکتب شیراز.





شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رتال جامع علوم انساني

ميتاور منظره کار هنرمندان بهمان - مکتب شیراز

ایرانی نمی‌تواند و به حق نمی‌بایست از نظر دور داشته شود.

فارس، در ایام رنسانس مکتب شیراز، دیاری ناشناخته و بی‌هویت نیست؛ خطه‌ای صاحب‌شناخته در زمینه‌های گوناگون هنری و فرهنگی است؛ تخت‌جمشید و عظمت معماری و حجاری آن، هنوز از نظرها دور نمانده است؛ تجلیات هنر ساسانی در بسیاری از زمینه‌های هنری، باقی مانده است؛ در زمینه هنر و ادب، شناسنامه شیراز، با نام شاعران گرانقدر و بی‌همتایی همانند حافظ شیراز و سعدی شیرین‌سخن، از اعتباری والا برخوردار است؛ نقاشان شهر شیراز، صنعتگران و نقاشان شیراز، خوش‌نویسان صاحب‌دل، چه بسیار در فن کتاب‌آرایی و مضمون‌کردن کتب و تزئین و نقاشی، گوی سبقت را از همگان ربوده‌اند؛ پس، جای شگفتی نیست که چنین خطه‌ای، با چنان اندیشمندان و هنرمندانی، به جبران فاجعه استیلای هنری و فرهنگی بیگانگان بنشینند و حافظ ارزش‌های فرهنگ و هنر پر قدمت ایران شود.

هنرمندان وارسته مکتب شیراز، در این روزگار، بیش از آنکه در اندیشه هنرآفرینی و آزمون ذوق باشند، به عزم مقابله با هرگونه سلطه هنری قوم بیگانه قد علم می‌کنند. آنان گویا که نیک به رسالت و تعهد خودآگاه بوده و با هوشیاری و درایت تمام، تجارب ذوق و هنر تبار سرزمین خویش را، در قالب مینیاتور، معماری، کاشیکاری، در زیر چتر حمایت دشمن فاتح، اما غافل، بکار گرفته و رواج می‌دهند.

هم بدین دلیل، جای هیچگونه حیرت باقی نمی‌ماند که مکتب هنری سمرقند و یا حتی بعد از آن، مکتب هرات، دستمایه‌های اصلی و اساسی پاگیری‌شان، هنر و ذوق هنرمندان مهاجر ایرانی، به ویژه شیرازی، یعنی رهروان و بانیان مکتب هنری شیراز باشد.

سزاوار تحسین آنکه، این تاثیر پذیری، تنها شامل کتاب‌آرایی و تذهیب و نقاشی و مینیاتور نمی‌گردد و

بی‌شمار ابنیه ارزشمند سمرقند و هرات را نیز شامل می‌شود؛ چه با دقت در ساختار معماری و کاربرد کاشیکاری بناهای سمرقند و هرات، سهم والای هنرمندان شیرازی را در زمینه هنرهای یاد شده می‌توان شناخت و بدان ارج نهاد.

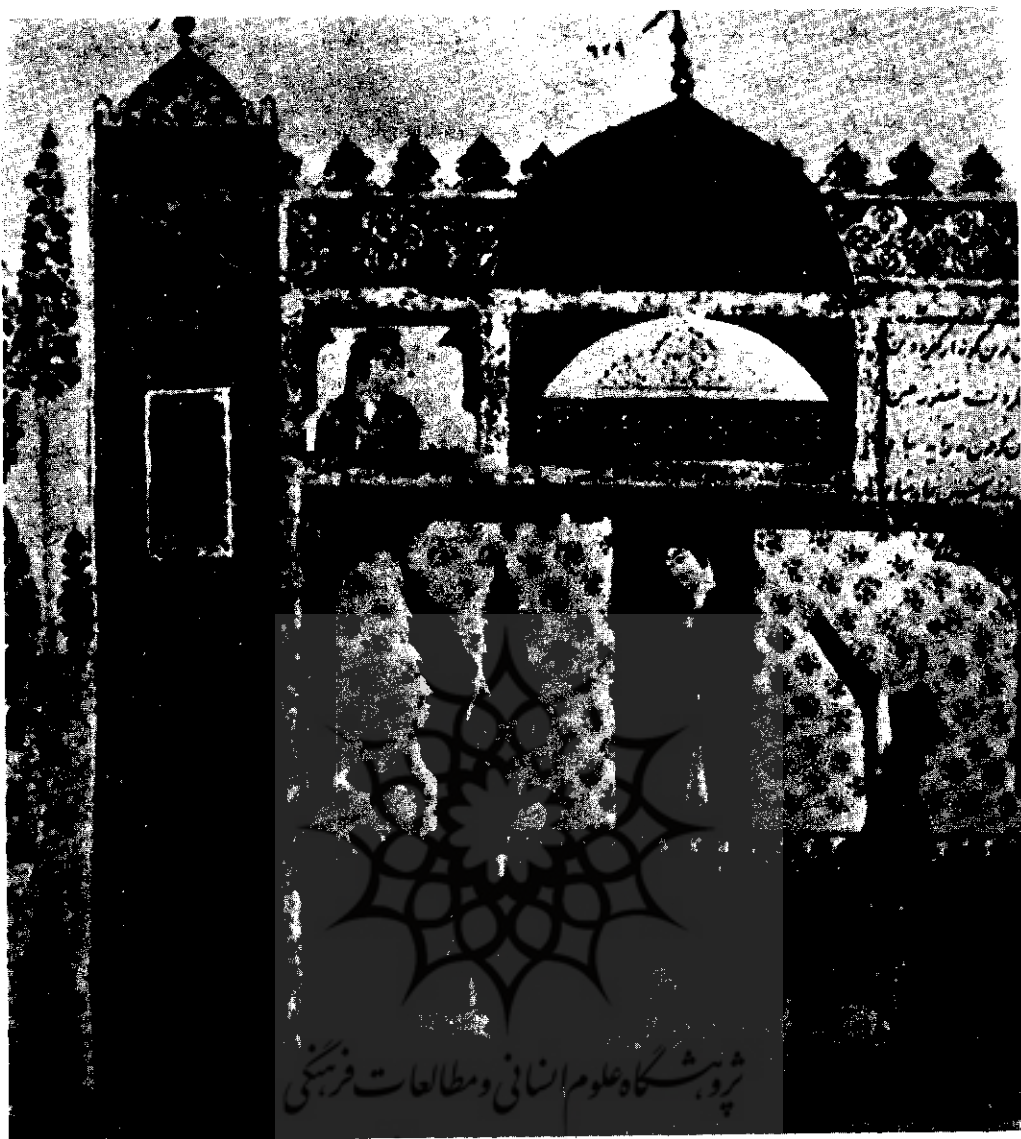
همزمان با ذوق آفرینی‌های هنرمندان باتجربه و ذوق شیرازی در سمرقند، شیراز بار دیگر به عنوان مرکز و جلوه‌گاه و خاستگاه هنر پویا و مستقل ایرانی، شهره جهان آن روزگار می‌گردد.

هم در این رونق دوباره است که بار دیگر تلاش وسیع و گسترده‌ای در کار کتاب‌آرایی و خوشنویسی شروع می‌شود؛ چه بسیار کتب منظوم و منثور که با همت خوشنویسان به رشته تحریر درنیامده و صفحاتی از این کتب به تذهیب و مینیاتورهای عالی و نفیس مزین نمی‌گردد.

در این میان، عنایت و رغبت خوشنویسان و نقاشان مینیاتور و تذهیب کاران به کار شاهنامه، به مراتب بیشتر از سایر دواوین شعر است. شاهنامه حکیم طوس، به عنوان سندی ارزشمند در حفظ تاریخ و فرهنگ ایرانی، ضرورت مجاهدت در حفظ و اعتبار آنرا دو چندان می‌سازد؛ همین است که نقاشان دل‌آگاه شیراز، خوشنویسان عارف این شهر را چه در دوران استیلای مغولان و چه بعد از آن، یعنی در دوران سلطه تیموریان، وادار به تلاشی مضاعف و خلاقیتی سزاوار تحسین می‌کنند.

ناگفته نماند که نقاشان مینیاتورهای شاهنامه در این روزگار به تبعیت از استادان خود به شیوه پر قدمت هنر بصر ساسانی وفادار بوده و همت در تداوم و حیات این شیوه در کار مکتب شیراز می‌نمایند.

زواج مینیاتورهایی به شیوه و سبک دیوارنگاری عصر ساسانی، در مینیاتورهای دوران حکومت خاندان اینجو و تداوم و گسترش آن در ظروف سفالی مینایی، حاکمیت موتیوهای هنر باستانی ایران به ویژه عهد ساسانیان را در



قطعه مینیاتور مربوط به منتخبات فارسی مکتب شیراز. *پژوهشگاه علوم انسانی*

کتاب، چگونه سرفصل نویسی از طرح و نقش را به ویژه در اهمیت و اعتبار بخشیدن به حضور انسان، درکار تکامل و رونق مینیاتور، گشوده‌اند؛ کتابی که با تأسف، به مرور زمان دست به دست گردیده و امروز تنها می‌توان هر برگ از کتاب را در موزه‌ای از جهان و یا نزد مجموعه‌داری غریب و یا نام آشنا به شناسایی نشست.

هنرهای سنتی رایج حاکمان این عصر، به اثبات می‌رساند.

نگاهی به یادگارهای ارزشمند مکتب شیراز، در کتب به یادگار مانده از این دوره، از جمله «مونس الاحرار» محمد بن بدر، که به سال ۷۴۲ در شیراز به انجام رسیده، نشان می‌دهد که نقاشان مینیاتوره‌های این

همزمان با کتاب یاد شده، ذکر نامی از شاهنامه وزیر قوام‌الدین که دارای مینیاتورهای بسیار نفیس و زیبا - نمایانگر کار هنرمندان شیرازی و مکتب شیراز - است خالی از فایده و لطف نیست. در نقاشی مینیاتورهای این شاهنامه که باز اوراقی از آن در گنجینه‌های حوزه‌های جهان پراکنده است، هنرمندان مبتکر شیرازی، با تنوع بخشیدن به رنگ و نقش مینیاتورها و تحول بخشیدن به نقوش تذهیب، گامی موثر در اعتلای مکتب شیراز برداشته‌اند. کتابت «تاریخ تیمور» و نیز، «اسکندر سلطان»، به ترتیب در فاصله سالهای ۸۰۰ و ۸۱۳ هجری، همراه با مینیاتورهای نفیس شواهد ارزشمندی از رشد و استعداد خوشنویسان و نقاشان شیرازی را ارائه می‌دهد؛ کتابهایی که هم اکنون زینت بخش مجموعه کتب خطی و نفیس موزه بریتانیا است.

سوی کتب یاد شده، در بررسی و نگاه به دو شاهنامه نفیس از مکتب شیراز در موزه ملی مصر، زمینه‌های مساعدی در شناخت نشانه‌های اعتلای مکتب شیراز، در پیش روی محققان و دوستداران هنر ایرانی مهیا می‌گردد.

شاهنامه‌های مذکور، نخست شامل شاهنامه‌ای ارزشمند، به خط «لطف‌الدین یحیی بن محمد» می‌گردد که با دارا بودن شصت و هفت صفحه نقاشی مینیاتور و یک صفحه تذهیب رنگین بسیار عالی و ارزشمند که در سال ۷۹۶ تدارک دیده شده و به اتمام رسیده، شاخص‌ترین نمودار تجلی مینیاتورهای مکتب شیراز را در خود نگاه داشته است. شاهنامه دیگر، مربوط به سال ۸۰۱ هجری است، با مینیاتورهای بسیار متفاوت و چشمگیر؛ به ویژه در زمینه رنگ آمیزی، که نشانگر رشد و اعتلای هنرمندان مکتب شیراز است.

از دیگر نمونه‌های ارزشمند مینیاتورهای مکتب شیراز، که خوشبختانه از دستبرد بیگانگان در امان مانده و هم اینک در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود،

چهار برگ از کتاب خمسة نظامی مربوط به قرن نهم هجری است، که به تمامی، ویژگی‌های چشمگیر و کار هنرمندان را نشان می‌دهد.

ناگفته نماند که آثار هنری هنرمندان مکتب شیراز، سوی موجود بودن در موزه‌های ایران و جهان، به مرور ایام در نزد اشخاص، یا از میان رفته و یا که موجود و ناشناخته است و هرگز نمی‌توان و نمی‌بایست شناخت و ارزیابی مکتبی آنچنان پر دامنه و وسیع همانند مکتب شیراز را با معدود کتابهای یاد شده محک زد و به قضاوت نشست.

آنچه در زمینه اهمیت و اعتبار مکتب هنری شیراز سزاوار تأمل و تحسین است، تنها با تکیه کردن بر مهارت و ذوق هنرمندان ولای شیراز در ارائه مهارت بیشتر در نقش پردازی و رنگ اندازی نباید محدود و بسنده شود؛ مهم، سهم و نقش هنرمندان این مکتب، نخست در حفظ ارزش‌ها و تداوم هنر ملی و مستقل ایرانی تا به دوران خویش است، و زان پس پرهیز آگاهانه آنان از اصل تقلید و تسلیم در برابر فرهنگ بیگانه و همت سزاوار تحسین آنان در جلوگیری از فراموشی و نیستی هنر و فرهنگ ایرانی است. و از همه مهم‌تر، ترویج فرهنگ و هنر ایرانی به گوشه و کنار جهان هنری آن روزگار است.

مکتب شیراز، تنها در عصر تیمور و نوادگان او خوش ندرخشید؛ چه، تجلیات و اثرات پُرثمر خلاقیت هنری هنرمندان این مکتب در ادوار هنری بعد، به ویژه عصر زندیه، رهنمون ذوق و خلاقیت‌های هنری هنرمندان با ذوق شیرازی گردید و چه بسیار آثار ارزشمند در زمینه مینیاتور و تذهیب و نقش گل و مرغ به وجود آمد، که دستمایه‌هایش از مکتب شیراز بود و ذوق بانیان مکتب شیراز، که در جای خود به بررسی و نقدی سزاوار خواهیم پرداخت.